



۲۰۲۰/۱۲/۲۷



ع. بصیر دهبزاد

## بررسی جنایات جنگی در افغانستان

معیار صداقت و پایداری جامعه جهانی با وجدان،  
ارزش های حقوق بشر و کنوانسیون های بین المللی

بعد از جنگ جهانی دوم محکمه بین المللی ملل متحد توانست بر اساس قرار های مختلفه ملل متحد قضایای مبنی بر جرایم شدید جنگی و عدول از کنوانسیون های بین المللی مرتبط به نقض صریح حقوق بشر، ارتکاب جرایم جنگی و جرایم علیه انسان و انسانیت را در یوگوسلاوی سابق، کشور افریقائی رواندا، جرایم زمان حاکمیت پولپوت و ینگ ساری در کشور کمپوچیا را به بررسی گرفتند. تعدادی به حبس های طویل و ابد محکوم گردیدند. ولی همین جامعه جهانی در برابر جنایات شدید و وحشتناک دیکتاتور قبلی چیلی پنوچی و رینالدو بگنیو آخرین رهبر دیکتاتوری نظامی ارجنتاین در سالهای هفتاد و هشتاد سالهای طولانی خموشی اختیار نمود.

اکنون موضوع جنایات جنگی در افغانستان در سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ که به کرات در وسایل ارتباط جمعی با اسناد و شواهد غیر قابل انکار انعکاس یافته اند، بر اثر فشار غیر اخلاقی دولت ایالات متحده آمریکا روی آن خاک پاشیده شده، چشم ها، گوشها و زبانهای نهاد های ملی و بین المللی را کور، کر و بسته سازند.

خبر های تکان دهنده و عکس العمل های متفاوت در ارتباط با جرایم شدید جنگی نظامیان استرالیایی در افغانستان در بین سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ م. هم ناشی از تشویش ها و نگرانی های جدید مرتبط به نقض حقوق انسانی، تخطی صریح و غیر قابل انکار از قوانین و کنوانسیون ها در سطح ملی و بین المللی است که باید بدان مکت و توجه جامعه جهانی، نهاد های بین المللی و ملی دفاع از حقوق بشر و مبارزه بر ضد عاملان ارتکاب جرایم بزرگ و شدید جنگی را یکبار دیگر بر آن قضیه بزرگ متمرکز ساخت.

این قضیه با آنکه در جامعه بین المللی عکس العمل های را در محکوم کردن این جنایات در پی داشته است، همچنان تأکید بر تحقیق بیشتر روی تخطی های نظامیان این کشور، در مطابقت با محتوای کنوانسیون های بین المللی مربوط به جنگ، جرایم جنگی و حقوق بشری را نیز برجسته و قابل تطبیق دانسته تا با انکشاف و وضاحت بیشتر، جهات مختلفه موضوع از آب برون آید.

اخیراً وزارت دفاع استرالیا تائید کرده است که نیروهای خاص این کشور در افغانستان در میان سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ م. ۳۹ غیرنظامی افغان را کشته اند. گزارش های تازه ولی گنک و غیر قابل تثبیت می رساند که ۹ تن

از سربازان استرالیایی، به شمول یک زن، پس از نشر گزارش جنایت جنگی این نیروها در افغانستان خودکشی کرده‌اند. ولی هنوز مشخصات و نامهای این افراد در هیچ سند و یا خبری انعکاس نیافته است. این خبر میتواند دو تعبیر را در ذهن ایجاد نماید. اگر واقعاً ۹ نظامی استرالیایی دست به خودکشی زده باشند، بیان این امر است که جنایات را نمیتوان احتمالی دانست بلکه بحیث یک جرم ارتکاب یافته تلقی نمود که از یک زاویه دیگر باید قابل بررسی باشد. حالت دومی این خواهد بود که مقامات نظامی و سیاسی حکومت استرالیا میخواهند قضیه را ماستمالی و گویا غیر قابل بررسی جلوه دهند تا در نتیجه یک بررسی حقوقی جزائی زمینه استماع شاهدان را غیر ممکن سازند.

بدون شک این قضیه حقوقی مرتبط بر جرایم شدید جنگی و خلاف حقوق بشری در داخل سرزمین افغانستان دارای حاکمیت ملی و در برابر شهروندان افغانستان صورت گرفته است، به مانند ناخن خونین نمیتوان بالای آن خاک پاشید و آسیب، درد و رنج آنرا بر ارزش های ملی افغانستان، حق مردم افغانستان در بررسی عدالت‌مندان این قضیه و آسیب های بزرگ روانی، غم و انده و همه آلام ناشی از این سلسله زنجیری جنایات بر آسیب دیده های مستقیم آن (خانواده های کشته شده گان) را سطحی و نادیده گرفت.

با اعترافات و اظهار شرمندگی و معذرت خواهی وزارت دفاع استرالیا که از طریق رسانه ها صورت گرفت، از دیدگاه حقوق و بررسی یک سلسله زنجیره ای از ارتکاب جنایات در سرزمین افغانستان و آنهم تحت چتر ایساف سازمان ملل متحد و سازمان نظامی ناتو ساده به نظر نمیرسد و اکتفا بر یک معذرت خواهی، رفع مسئولیت بین المللی آن دولت نمیتواند باشد.

قرار معلوم مردم مظلوم افغانستان در بیشتر از چهل سال به انواع آلام و درد های ناشی از جنگ، تروریزم منطوقی و بین المللی و جرایم شدید جنگی و ضد حقوق بشری، ظلم تنظیم های جهادی و طالبانی قرار گرفته اند. آنان در نزده سال اخیر نیز زیر سایه موجودیت ۴۷ کشور اعضای ناتو و نیرو های حافظ صلح ایساف سازمان ملل متحد آسیب های بزرگ وانسانی، از جمله قتل های هدفمند، غارت سرمایه های ملی، فساد، انارشی سیاسی و اجتماعی، زور گوئی زورمندان وابسته و ارتکاب جرایم شدید جنگی و ضد حقوق بشری، را متحمل گردیده اند.

فاکت های زیر بیان این واقعیت تلخ است که افغانستان در چهار دهه اخیر به یکی از کشور های بزرگترین قربانی جنایات جنگی بعد از جنگ دوم جهانی به حساب میآید.

- جرایم جنگی در سالهای جنگ میان گروه های تنظیمی و دولت وقت، از کشتار های مردمان ملکی تا مجازات صحرائی بدون کدان پروسه عدلی و قضایی. در این زمان هم حمایت گران تروریزم و مدافعان جهانی و منطوقی آنها حتی بر چشم کشیدن ها و پوست کردن های انسانهای زنده خموش و دهان بسته بودند. نویسنده در این قضایای حقوقی به هیچ صورتی نمیخواهد در ارتکاب جرایم جنگی استثنائاً و تفاوت را قایل گردد.

- حمله نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۱۵ به شفاخانه "داکتران بدون مرز" در قندوز که جان ۴۲ تن از جمله اعضای کدر صحی را گرفت، تحقیقات گسترده ای انجام باید میگرفت که در نیمه راه این پروسه خشک گردید. « برخی منابع خبری همزمان اعلام کردند که دولت آمریکا نمایندگانی را به لاهه اعزام کرده است تا نگرانی این کشور را از تحقیقات احتمالی توسط محکمه عدالت بین المللی ابراز کنند. قبل از این هم خارتوال این محکمه بارها به بد رفتاری نظامیان آمریکا با زندانیان افغانستان بین سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ اشاره کرده بود»

«صلاحیت سازمان عدالت بین المللی آنگونه که در اساسنامه آن آمده است، رسیدگی به جنایات بین المللی، نسل کشی، جنایات علیه بشریت و جنایت جنگی را شامل می شود. جنگ آمریکا در افغانستان که از سال ۲۰۰۱ به بهانه دخالت برخی گروه های افغان در حادثه یازده سپتامبر و مقابله با تروریسم آغاز شد، در بیش از ۱۵ سال گذشته با جرایم مختلف جنگی همراه بوده است.»

- بر اساس تحقیقات و یافته های یک برنامه تلویزیونی بی بی سی (پانوراما) دولت و ارتش بریتانیا متهم شده اند که بر کشتار شهروندان عراقی و افغان به دست نیروهای نظامی این کشور "سرپوش" گذاشته اند.

- بررسی نشر یک برنامه تلویزیونی هالند بتاريخ ۱۳ فبروری ۲۰۱۳ م. هنوز بدون بررسی و نتیجه گیری باقی مانده است.

قضیه مربوط میشود به شخصی با اسم " ابراهیم. الف " افغانی الاصل که پرده از یک سلسله واقیعت ها برمیدارد که خودش و بدستور نیروهای مخفی استخبارات وزارت دفاع هالند در یک تسلسل از قتل های مخفی و بدون پروسه عدلی و قضایی در حذف فزیکتی ۱۲ تن افغان در داخل افغانستان نقش داشته است. . ودها قضیه ئی دیگر ارتکاب جرایم مشابه در کشور قربانی جنگ و جنایات.

بدون شک در افغانستان آسپیدیده از جنگ و قتل های هدفمند و غیر قابل توجیه، تروریزم منطوقی و بین المللی و بلاخره کشتار ها و اذیت فزیکتی شهروندان غیر نظامی و بی دفاع، موضوع جدی، قابل تحقیق وسیع و تعقیب عدلی در سطح ملی و بین المللی میباشد .

کنوانسیون های چهارگانه ژنیو مربوط به حقوق جنگی و منع ارتکاب جرایم جنگی در مراحل مختلف و بعد از نتیجه گیری ها و ارزیابی جنگ های وحشیانه در قرن نهم و دو جنگ جهانی اول و دوم تکمیل تر و انسانی تر شده اند. از آنجائیکه ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی عدالت بصورت خاص در مورد حقوق بین المللی بشر از مسأله حقوق بشر دوستانه حرف به میان آورده است، هیچ یک از بخش های حقوق بین الملل به اندازه حقوق بشر دوستانه مطرح نگردیده است، به عبارت دیگر می توان گفت حقوق بشر دوستانه اساسی ترین و مبتدای بخش حقوق بین المللی است. هدف از طرح موضوع این است که چرا این دید بشر دوستی و یا بشر دوستانه در مورد قربانیان جرایم بزرگ جنگی در افغانستان قابل تطبیق نیست و با تفاوت، تبعیض و استثناء بدان دیده میشود؟

اگر ما مکثی کوتاهی بر کنوانسیون های چهارگانه ژنیو پیرامون قوانین جنگ، مشروعیت جنگ، و منع ارتکاب جرایم جنگی نمائیم، کنوانسیون ۱۸۶۴ میان دوازده کشور در نخستین کنفرانس در شهر ژنو موافقت می کنند که سربازانی که در جبهه زخمی شده اند را جمع آوری نمایند و به آنها کمک های طبی برسانند. در قرارداد ۱۹۰۶ کنوانسیون دوم در ژنو جلسه کرد و در محتوای کنفرانس ۱۸۶۴ تجدید نظر شد و نهاد های های کمک رسانی و خیریه هایی که کمک های صحی می رسانند دعوت به همکاری شدند. در سال ۱۹۲۹ یعنی با نتیجه گیریها از جنگ اول جهانی کنفرانس سوم در ژنو تشکیل شد در این کنوانسیون مواردی مورد تصویب قرار گرفت که در باره اسیران جنگی بودند.

در سال ۱۹۴۹ کنوانسیون چهارم پس از به پایان رسیدن جنگ دوم جهانی در ژنو مورد تصویب دول قرار گرفت. قابل دقت و تذکر است که در تمام قوانین و کنوانسیون های بین المللی مربوط به حقوق بشر دوستانه و منع جرایم شدید جنگی دو اصل با اهمیت خیلی ها متبازر اند : انسان و وجدان. اکنون و در عصر مدرن که تجلی ارزش های حقوق بشری در اکثریت قوانین کشور ها چشم ها را خیره میکند، امید و توقع از تطبیق و ادای مسئولیت از هر دو

اصل زرین است: احترام به کرامت انسانی، حرمت به حق حیات و داشتن و تبارز وجدان بشر دوستانه و همچنان تعهد صداقت‌مندان به این اصل وجدانی که نویسنده در همین نوشته و در همین هدف اجرای صادقانه تعهدات دول را به ارزش های حقوق بشری و بررسی حقوقی جنایات جنگی در افغانستان، در یک پروسه عدالت‌مندانه تقاضا مینماید.

اکنون که جامعه جهانی در یک سیر و انکشاف سریع قرار دارد، حقوق، آزادیهای بشری و حرمت به انسان و انسانیت در سر خط اهداف یک سازمان جهانشمول و حافظ صلح و امنیت جهان یعنی ملل متحد قرار گرفته است، ضروری، انسانی و حرمت به کرامت انسانی و بلاخره حفظ ارزش های جهانشمول بشری، ایجاب میکند که جامعه جهانی و دول متعهد به کنوانسیون های بین المللی خود در تطبیق و تعهدات خویش جدی، مصمم و صادق باشند. نباید همه حقوق انسانی مسجل در اسناد بین المللی در کشور های فقیر و یا کشور های که با هم در تضاد و تفاوت دیدگاه ها و اهداف منطقی و بین المللی قرار دارند، ارزش های متذکره را با تفاوت، تبعیض و استثناء تطبیق نمایند.

بخاطر وضاحت و انکشاف بیشتر دامنه و وسعت این جرایم بزرگ و شدید جنگی و ضد حقوق بشری و همچنان اتخاذ تدابیر لازم بر باز ساختن یک پروسه عدلی و قضائی، باید نکات نظر و خواست های مشروع و حقوقی زیر را جدی مطرح نمود .:

۱. مسأله ارتکاب جرایم جنگی نظامیان استرالیایی به احتمال قوی تنها به عمل و ارتکاب چند سرباز نمیتواند محدود گردد. قریب به واقعیت تلقی میگردد که مقامات بالا رتبه نظامی و استخبارات نظامی حکومت استرالیا از موضوع آگاهی قبلی داشته اند. این سوال مطرح میگردد که روی کدام ملحوظات وزارت دفاع آن کشور در طی چند سال این موضوع را پوشیده نگه داشته اند؟

علاوتاً بررسی وسیع این موضوع که یک شرمساری بزرگ را متوجه دستگاه لیبرال و مدافع حقوق بشر استرالیا میسازد، باید موضوع را در سطح پارلمان آنکشور مورد بررسی و متعاقباً جهت تعقیب عدلی به نهاد های عدلی و قضائی آن کشور ارجاع نمایند.

باید پرداخت غرامت به آسیب دیدگان اصلی ناشی از ارتکاب این جنایات به حیث یک خواست مشروع و حقوقی به بحث و تصمیم جدی گرفته شود.

۲. تمامی قضایای جنایات جنگی و موضوع حذف فزیزی اسیران و افراد غیر نظامی که به قتل رسیده و یا مورد اذیت های جسمانی و روانی قرار گرفته اند، باید در یک پروسه عدالت‌مندانه در سطح ملی و بین المللی به بررسی گرفته شوند.

۳. هر گونه پروسه عدالت‌مندانه، بعد از تحقیق توسط یک کمیسیون با صلاحیت سازمان ملل متحد، به سازمان عدالت بین المللی و محکمه عدالت سازمان ملل متحد ارجاع گردد.

۴. بررسی، تحقیق و پروسه عدلی و قضائی، متکی بر اصول و قوانین بین المللی، عمدتاً کنوانسیون های چهارگانه ژنیو پیرامون حقوق جنگ و بررسی جنایات شدید جنگی، صورت گیرد.

۵. در پروسه تحقیق، بررسی، جمع آوری اسناد، مدارک و دلایل مستند الزام باید از حقوقدانان و متخصصین مستقل افغان نیز همکاری خواسته شود.

همه مضمونیت های ارتکاب جرایم مشابه در ۱۹ سال اخیر توسط نظامیان آمریکائی هسپانیائی، هالندی و انگلیسی باید روشن و در سطح دول متذکره نیر باید دوسیه های جرایم مشابه که در سالهای اخیر به کرات در رسانه های این کشور ها از آب برون شده اند، دوباره باز گردیده و تا سطح ایجاد کمیسیون های پارلمانی به بررسی گرفته شوند. ۷. در صورت ثابت شدن همکاریهای مخفی از منابع داخل افغانستان و یا در سطح انفرادی شهروندان افغانی در ایجاد شرایط مقدماتی ارتکاب این جرایم شدید جنگی باید دوسیه های جزائی تحت جرایم ضد امنیت ملی افغانستان باز و در یک پروسه عدلی و قضائی قرار گیرند.

۸. در مطابقت با بند ۴ ماده ۷۰ کنوانسیون های متذکره باید دولت افغانستان خود را مؤظف و مکلف بداند تا برای بررسی موضوع یک محکمه خاص داخلی را ایجاد و موضوع را به بررسی عدلی و قضائی گیرد و آن بدلیل اینکه جرم در داخل قلمرو افغانستان ارتکاب یافته و قربانیان جرایم مردمام غیر نظامی، بی دفاع و مظلوم افغانستان اند.



[برای مطالب دیگر این نویسنده، اینجا کلیک نمائید.](#)

